

جنبش‌های اجتماعی

بابک حقیقی‌راد:ساده‌ترین تعریفی که می‌توان از جنبش‌های اجتماعی ارائه داد عبارتست از: کوشش‌هایی جمعی که برای ایجاد و مقابله با تغییر در یک جامعه یا در یک گروه صورت می‌گیرند. میزان تغییر مورد نظر و سطحی که تغییرات در آن پیگیری می‌شوند در جنبش‌های اجتماعی مختلف اعم از سیاسی، دانشجویی و دینی متفاوت است. بعضی از جنبش‌ها در جهت تحقق تحولات فراگیر انقلابی تلاش می‌کنند در حالی که برخی دیگر به دنبال اصلاحات غیراقراطی و محدود هستند. سطح تغییرات نیز متفاوت است و گستره‌ای از تغییرات ملی و جهانی ساختارهای اجتماعی تا تغییر در نگرش‌ها، گرایش‌های مذهبی یا سبک زندگی را شامل می‌شود. همان‌طور که اشاره شد جنبش‌های اجتماعی اشکال گوناگونی دارند. دسته‌ای انقلابی بوده و همچون جنبش‌های بلشویکی، فلسطینی، جهاد اسلامی و جمهوریخواهی ایرلند به دنبال تحقق تغییرات ساختاری بنیادی هستند. هدف اصلی این جنبش‌ها ایجاد تغییرات بنیادی در نهادهای اصلی جامعه یا در برخی موارد تغییرات در نظم جهانی است. به دلیل به چالش کشیدن نظم مستقر، الیت‌های قدرتمند و منتفذ از ابزارهای موجود همچون خشونت در جهت سرکوب جنبش‌های انقلابی بهره می‌گیرند. در نقطه مقابل، جنبش‌های اصلاح طلبانه به دنبال اصلاح روابط ساختاری بدون تهدید جدی نهادهای موجود هستند. بنابراین، با اینکه ممکن است برخی از الیت‌ها با اصلاحات مورد نظر این جنبش‌ها مخالف باشند، اما معمولاً تساهل آنها در برخورد با جنبش‌های اصلاح طلبانه بیش از جنبش‌های انقلابی است. گر روی از این جنبش‌ها همچون جنبش‌های صلح، زنان و محیط زیست اهداف فراگیری را پیگیری می‌کنند. آنها اغلب اهداف سیاسی و اهداف مرتبط با سبک زندگی افراد را با یکدیگر ادغام می‌کنند. به عنوان مثال، جنبش‌های صلح در کنار اهداف سیاسی مختلفی چون توقف یا جلوگیری از شکل‌گیری جنگ‌ها، مبارزه با به‌کارگیری سلاح‌های خاص، خلق سلاح جهانی، ایجاد تغییرات در سیاست‌های خارجی و ایجاد نهادهای حل بحران‌ها و درگیری‌ها، افراد را به تغییر نگرش هایشان و زندگی به شیوه‌ای صلح‌طلبانه تر و آرام تر ترغیب می‌کنند. نهایتاً، در بسیاری از موارد در برابر جنبش‌های اجتماعی مخالفت‌های سازمان یافته‌ای در قالب ضدجنبش‌ها شکل می‌گیرند. ضدجنبش‌ها مانع از شکل‌گیری تغییراتی می‌شوند که جنبش‌های انقلابی و اصلاح طلبانه به دنبال تحقق آنها هستند. اکثر ضدجنبش‌ها همچون مک کارتیسم و جنبش‌های اکثریت اخلاق‌گرا به دلیل تلاش برای حفظ نهادهای و سبک‌های زندگی موجود، ماهیتی محافظه کارانه دارند. صرف‌نظر از تفاوت‌های جنبش‌های مختلف اجتماعی در ارتباط با اهداف و سطح تغییرات مورد نظرشان، از نظر متفکرین علوم اجتماعی تمامی آنها دارای ویژگی‌های مشترکی هستند. اولاً، تمامی جنبش‌ها در چارچوب شرایط تاریخی، فرهنگی و ساختاری معینی شکل می‌گیرند. ثانیاً، با شکل‌گیری این جنبش‌ها موضوعات مرتبط با مشارکت مطرح می‌گردند؛ به خدمت گرفتن اعضای جدید و حفظ مشارکت در سطح مورد نظر. ثالثاً، هر جنبش دارای درجه‌ای از سازماندهی است. آشکارترین ویژگی جنبش‌ها سازمان‌های جنبش اجتماعی و استراتژی‌ها و تاکتیک‌های آنها است و در آخر، جنبش‌های اجتماعی به واسطه ماهیت‌شان، هر چند در سطح محدود نتایجی را پدید می‌آورند. با اینکه پژوهشگران علوم اجتماعی به دفعات بر بررسی میزان تأثیرات جنبش‌ها بر تغییرات اجتماعی پرداخته‌اند اما ارائه پاسخ‌های قطعی به این پرسش بسیار دشوار به نظر می‌رسد.

سالنامه ابن عربی در بریتانیا

بیست و چهارمین شماره سالنامه «ابن عربی» از سوی انجمن محلی الدین ابن عربی در بریتانیا منتشر شد. به گزارش مهر، سالنامه ابن عربی نشریه انجمن محلی الدین ابن عربی است که به صورت نشریه و در جهت ترویج آرا و عقاید فلسفی، عرفانی و تصوف ابن عربی منتشر می‌شود. در این شماره از سالنامه مقالاتی مانند ابن عربی درک دوگانه از زن؛ وجود انسانی زن و اصل اخلاقی، بررسی نسخه‌های خطی ابن عربی، آزادی از نظر ابن عربی و همچنین بررسی و معرفی کتابی درباره ابن‌عربی منتشر شده است. انجمن محی الدین ابن عربی در بریتانیا در سال ۱۹۷۷ در جهت ترویج و تقهیم آرای ابن عربی، حکیم و فیلسوف مسلمان تأسیس شد. سالنامه ابن عربی نیز از سال ۱۹۸۲ به صورت سالنامه منتشر می‌شود. این انجمن هر ساله سمینار را برگزار می‌کند که بیست و سومین سمینار سالانه انجمن محی الدین ابن عربی ۲۳ دزپهشت‌ماه اسمال در بریتانیا برگزار شد و دنیس گریل، آنجلا گروبر، محمدرضا جوزی و دکتر قاسم کاکایی در آن سخنرانی داشتند.

نخستین همایش دوسالانه انجمن مطالعات گجرات در لندن

نخستین همایش دو سالانه انجمن مطالعات گجرات در مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی لندن (SOAS) برگزار شد. به گزارش مهر این همایش برای نخستین بار بسیاری از محققین ممتازی را که به کار پژوهش‌های مربوط به فرهنگ‌ها و جامعه‌های گجراتی می‌پردازند گردهم آورده است. طی دو روز، ۳۳ سخنران از اروپا، آمریکا، شمالی، هند، پاکستان، اسرائیل و امارات متحده عربی پژوهش‌ها و یافته‌های خود را درباره جامعه‌های گجراتی و دیگران در میان نهادند و معضلی پر تبادل را در سایر محققین و میهمانان حاضر پدید آوردند. موضوعات بحث و گفت‌وگو حول دین و معنویت، مهاجرات، جهانی‌شدن و هویت، حقوق، سیاست و خشونت، فضاها و مکان‌های در حال تغییر و زنان، ادبیات و رسانه بود. انجمن مطالعات گجرات به‌طور مشترک توسط دکتر انجم مقدم و دکتر شرمینا دومانوی و با کمک هیات اجرایی توسط خاتم سلیمه مارجی و آقای میتیش کوتیپا پایه‌گذاری شد و از سر حامی‌اش، لرد پرفسور بیکو (SOAS)، در پرفسور ایش از جمله پرفسور کریستوفر شکل (SOAS)، در پرفسور ایش ساجدو (SOAS)، در پرفسور عظیم نانچی (موسسه مطالعات اسماعیلی) و دکتر ریچل دوایر (SOAS) پشتیبانی می‌شود. انجمن مطالعات گجرات یک شبکه علمی است با هدف مشخص مطالعه و تحقیق درباره گجرات و گجراتی‌ها.

خیرچین

ششمین درس گفتار مولانا در شهر کتاب مرکزی گنجینه زیبای‌شناسی حقیقی

آناهید خزیر: ششمین جلسه درس گفتارهایی در باب مولانا با سخنرانی کریم زمانی عصر چهارشنبه هفتم شهریورماه با حضور گسترده علاقه‌مندان در شهر کتاب مرکزی برگزار شد. کریم زمانی مفسر گنجینه معنوی مولانا، در ابتدای جلسه در باب زیبایی‌شناسی از نگاه عارفان و متفکران گفت: زیبایی و زیبایی‌شناسی در زندگی همه انسان‌ها نقش مهمی دارد به طوری که اگر حس زیبایی‌شناسی را از فردی سلب کنیم و آن شخص نتواند زیبایی را تشخیص دهد در واقع نمی‌تواند به زندگی‌اش خود ادامه دهد، زیرا انسان با انتخاب زیبایی‌ها استانی درجه هویت خود را آشکار می‌کند به خصوص که زیبایی‌ها، زیبایی‌های پلکانی باشد در آن صورت زیبایی محسوس آغاز می‌شود و به زیبایی‌های معقول و معنوی و قدسی می‌رسد. زیبایی و حس زیبایی‌شناسی از اهم ویژگی‌های انسان است و متفکرین تعاریف بی‌شماری از زیبایی مطرح کرده‌اند که هیچ کدام جامع و مانع نیست و یکسری مفاهیم عرفی و تعاریف جزئی است. در مسئله زیبایی‌شناسی تعریف ذاتی باید جامع و مانع باشد، مثل هنر و عشق که زیبایی‌های بدیهی هستند و وصف ذاتی نمی‌شوند، در زیبایی‌شناسی ذاتی تعریف بدیهیات نامیسر است. سپس به دو ویژگی عمده در مسئله زیبایی‌شناسی پرداخت و متذکر شد: در زیبایی‌شناسی تناسب اجزا و تنوع اجزا بسیار مهم است، در ویژگی اول تابلوی نقاشی به تصویر کشیده می‌شود که اجزایشان با هم همخوانی، تناسب و سازگاری دارد و در ویژگی بعدی هر زیبایی تنوع اجزا دارد. تناسب اجزا در احساس انسان ایجاد آرامش می‌کند و تنوع اجزا یک نشاط و شادی به انسان القا می‌کند. در قدیم علم الجمال درون علم فلسفه مطرح می‌شد اما کم‌کم زیبایی‌شناسی از فلسفه جدا شد و فلاسفه در باب زیبایی به طور مستقل و منفرد به

بدهی‌ها هستند و وصف ذاتی نمی‌شوند، در زیبایی‌شناسی ذاتی تعریف بدیهیات نامیسر است. سپس به دو ویژگی عمده در مسئله زیبایی‌شناسی پرداخت و متذکر شد: در زیبایی‌شناسی تناسب اجزا و تنوع اجزا بسیار مهم است، در ویژگی اول تابلوی نقاشی به تصویر کشیده می‌شود که اجزایشان با هم همخوانی، تناسب و سازگاری دارد و در ویژگی بعدی هر زیبایی تنوع اجزا دارد. تناسب اجزا در احساس انسان ایجاد آرامش می‌کند و تنوع اجزا یک نشاط و شادی به انسان القا می‌کند. در قدیم علم الجمال درون علم فلسفه مطرح می‌شد اما کم‌کم زیبایی‌شناسی از فلسفه جدا شد و فلاسفه در باب زیبایی به طور مستقل و منفرد به

و بلایي به‌نام ممیزی

صالح نجفی: روز شنبه ۱۱ شهریور در صفحهٔ «حکمت‌شادان» مطلبی سلاخی شده به‌نام نویسنده این سطرهای ناقابل به چاپ رسید که مورد لطف و عنایت ممیزانی که راست بگویم نمی‌دانم کیستند و به دنبال چیستند قرار گرفته بود. در آن نوشته، من از قلب ماهیت «مفهوم» و «تصور» خدا در جوامع مصرف‌زده سخن گفته بودم. از قول ارشش فروم که کتاب هایش مدام در ایران در همین سال‌های اخیر چاپ و تجدید چاپ و خوانده می‌شود نوشته بودم «انسان امروز خود را مبدل به کالا ساخته» و «خدا نیز به صورت مدیرعامل بی‌نام و نشان شرکت تعاونی جهاد درآمدۀ است» (هنر جگر ورزیدن، ترجمه پوری سلطانی، ص ۱۴۵) من نمی‌دانم ممیزان دلسوز و خداشناس که چندی است در نوشته‌های بی‌نوی من به دیده لطف می‌نگرند و به صلاحدید خود سطرهایی را حذف می‌کنند و به دیار فراموشی می‌سپارند، در این جمله‌های تامل برانگیز فروم چه نکته الحادی و دین‌ستیزانه‌ای دیده‌اند که دیگران (و آشنایی حداقلی با زبان تمثیل و استعاره دارند و احتمالاً می‌دانند کالاشدن انسان، شی‌واره ساختن مضامین معنوی و بدل شدن جهان به یک شرکت بی‌نام و نشان و به تعبیر کم نظیر مارتن بورر «کسوف خداوند» متضمن هیچ معنا و دلالت الحادی نیست و چه می‌دانم، شاید ممیزان مشفق خیال می‌کنند اگر مراقبت نوشته‌های امثال من نباشند در کار تمیز ممیزی کوتاهی ورزند، من نوعی متهم به جرم‌هایی از سنخ ارتداد و کشتن اذهان عمومی خواهم شد. پس اجازه دهید به ایشان یادآوری کنم جمله پایانی یادداشتی که با عنوان تغییر یافته و بی‌ربط «کالاهایی که مصرف می‌کنیم» به‌نام من مقتر به چاپ رسید، بسیار بودارتر و خطرناک‌تر بود. از کریستیان بوبن فرانسوی نقل کرده بودم که «برای آنکه چیزی را خوب ببینیم باید سوگوار گردیم…» («نور جهان»، به ترجمه پرویز سیار).

نه هستی محض است و نه نیستی محض، بلکه پیوسته هستی و نیستی را با هم و در کنار هم دارد. ثانیاً در شدن (صبرورت) مقدم بر تجربه (عقلانی) باشد، باید پارمنیدس را نخستین فیلسوف متافیزیسیبن (مابعدالطبیعی) به شمار آورد. جالب آنکه تا حدود دو هزار و سیصد سال بعد از پارمنیدس، یعنی تا زمان کانت، اکثر فیلسوفان، بی‌هیچ مخالفت مبنایی، راهش را ادامه دادند. اما حقیقت این است که امروزه بسیاری از ناقدان، شناخت متافیزیکی جهان را تخطئه می‌کنند و می‌پرسند چگونه می‌توان واقعیت جهان را بی‌هیچ گونه تجربه و تماس با آن، صرفاً از طریق تعقل (استدلال منطقی) شناخت و آنگاه اوصاف و احکام آن را بازآفخت؟ منظومه «درباره طبیعت» پارمنیدس، نخستین متن در تاریخ فلسفه اروپایی است که در آن مطالبی فلسفی درباره «هستی» به چشم می‌خورد. این منظومه دارای دو بخش اصلی است: بخش نخست که توصیف فلسفه خود او است و او آن را «راه حقیقت» می‌نامد و بخش دوم که به باورهای نادرست رایج در زمانه‌اش اشاره می‌کند و آن را «راه پندار» می‌خواند. پارمنیدس در «راه حقیقت» بر آن است که تنها «آنچه هست» واقعیت دارد و البته آنچه هست «واحد»، «ثابت» و «جاودان» است. اما درباره «آنچه نیست» هیچ نمی‌توان گفت جز آنکه «نیست». پارمنیدس می‌گوید: «تو نه می‌توانی نا هستنده را بشناسی و نه بر زبان آوری.» به نظر می‌رسد سخن پارمنیدس تا بدین‌جا منطقی است. تردیدی نیست که نیستی محض نیست؛ همان‌طور که در جهان نیستی در ذهن و زبان نیز نیست. اما جهان آن‌گونه که ما تجربه می‌کنیم

آکادمی

حکمت‌شادان



طبیعت و عالم ناسوت را مدح و ستایش کند در حقیقت منبع لایزال جمال را ستایش کرده است و هر ستایشی که از زیبایی طبیعت کنیم در واقع ستایش از آن منبع جمیل و جمال مطلق است و این ستایش به منشأ اصلی جمال به طور غیرمستقیم تعلق می‌یابد. از سوی دیگر مولانا اعتقاد دارد که سر خود را بالا بگیر و نگاه باطنی و درونی را به سوی عالم برین و ملکوتی بیفکن تا به سوی جمال مطلق حرکت کنی و باید کوشید سایه‌ها را از حقیقت و زیبایی‌های مجازی را از زیبایی‌های حقیقی تشخیص داد تا به رستگاری برسیم. رستگاری و نارسنگاری ما به نگاه زیباشناسانه ما برمی‌گردد، هر چه را که ما زیا می‌بینم بر اساس آن عمل می‌کنیم و حس زیبایی‌شناسی به هدایت و ضلالت، رستگاری و نارسنگاری یک شخص متصل می‌شود. این مفسر مثنوی به زیبایی‌شناسی از دیدگاه همه عارفان از جمله مولانا پرداخت و اظهار داشت: زیبایی از نظر عرفا جنبه پلکانی و نردبانی دارد، از عالم محسوسات آغاز می‌شود و پله پله تا ملاقات زیبایی‌های حقیقی و باطنی می‌رود بنابراین حقیقت هر انسانی به صفات و سیرتش برمی‌گردد و قطعاً زیبایی‌های معقول بر زیبایی‌های محسوس ترجیحیت دارند. در تعریف از انسان‌ها سیرت را مد نظر می‌گیریم و اجزای کالبد و جسم را وصف نمی‌کنیم در واقع حقیقت و شخصیت اشخاص را به سیرت منتسب می‌کنیم نه به کالبد جسمانی. آنچه در مسئله زیبایی‌شناسی برای عارفان مهم‌تر جلوه می‌کند زیبایی باطنی انسان است. اگر زیبایی‌های ظاهری در معرض تبدل‌ها قرار گیرد، این شمع جمال ظاهر را طوفان‌های روزگار خاموش می‌کند پس باید بگوئیمش از جمال باطنی برخوردار باشیم. در نگاه مولانا هم زیبایی عشق می‌آفریند و هم عشق زیبایی می‌آفریند، وجه اول زیبایی باعث پدیدار شدن عشق

هولناکی ترس از ارتفاع خود



امیرهوشنگ افتخاریراد:تاقچه در خانه‌هایمان هیچ کاربردی ندارد جز آن که نگهدارنده چیزهایی بارزش معنوی و مقدس است. در خانه‌هایمان تاقچه می‌سازیم و بر آن آینه و شمعدان یا قرآن و حافظ می‌گذاریم یا هر چیزی که استعاده‌ای از امر مقدس است. بدین ترتیب میلی در وجود دارد که چیزهای بارزش معنوی را در بالای چیزهای دیگر قرار دهیم. آسمان برای انسان همیشه مقدس بوده است. او رو به آسمان می‌کند و به راز و نیاز می‌پردازد. چون آسمان بالاترین چیزی است که می‌توانیم تصور کنیم. پس چیزهای ارزشمند باید در بالاترین نقاط قرار گیرند. وقتی مهمان به خانه می‌آید، می‌گوییم بفرمایید بالا. بدین ترتیب به او حرمت نهاده‌ایم. ما برای «سر» ارزش بیشتری قائلیم تا پاهای. پس هر چیزی که بالا است اهورایی است و آنچه که پایین است

اهریمی. تمام استاره‌های مربوط به پر و پراز و تیزده و آسمان نشان از میل انسان به این است که آنچه در بالا است دارای ارزش معنوی است. وقتی می‌خواهیم خدا– بالاترین مفهوم نزد انسان – را نشان دهیم به بالا اشاره می‌کنیم. تمثیل عروج به آسمان هفتم یعنی عالی‌ترین و برترین از همین نکته ناشی می‌شود. اما در عین میل به بالا چرا ما از ارتفاع هراسانیم؟ اگر بالاترین مرتبه نزد انسان، بالا بودن آن است، چرا وقتی در سطحی بالاتر از زمین قرار می‌گیریم می‌ترسیم؟ بدین ترتیب ما میل دوگانه‌ای به آسمان (یعنی ارتفاع) داریم. در پارک‌های تفریحی، چرخ و فلک‌های غول‌آسایی می‌سازیم تا با آنها به بالاترین نقطه موجود دست یابیم اما در همان بالاترین نقاط قرار می‌گیرد، برایش بسنده است. به عبارتی در زندگی مدرن اینک خود اوست که باید در بالاترین نقطه و در جایگاه امر قدسی بنشیند. اما همین است که ترس او از خود را نیز افزون‌تر کرده است. انسان مرتفع‌ترین چیز در عالم شده‌است و همین خود او را می‌ترساند. اینک او از ارتفاع خود می‌هراسد.

ابزارسازی و تکامل

هادی صمدی: اهمیت ابزارها، تصاویر و قبور باستانی برای درک جایگاه ما در تکامل چیست؟ ساختن ابزارها، رسم تصاویر و آماده کردن قبور همگی شاخصه‌هایی برای نوع جدیدی از موجودات در تکامل نخستینان هستند، موجوداتی که قادر بودند با را فراتر از یک شیوه کاملاً غریزی از زندگی گذارند. مثلاً در ساخت ابزارها آنچه واجد اهمیت است این است که عمل ساختن و خلق ابزار چیزی مجزا، و غالباً کاملاً فراتر از عمل استفاده عملی از آن است. (در اینجا این آرا را از هانس جوناثس وام گرفته‌ام.) (ابزارسازی یانگگر ظریف‌گسترش آگاهی به سوی آینده برای پیش‌بینی اعمال بسیار دورتر از زمان حال است. شاخه‌های باریک به عنوان «ابزار» استفاده کرده و آن را برای خارج کردن مورچه‌ها و سوسک‌های موجود در سوراخ‌های درختان به کار می‌گیرند. اما این دسته تنها استفاده‌کننده از ابزار هستند و نه ابزارساز. آنها ابتدا در گوشه‌ای نمی‌نشینند و با دقت سنگ‌ها و چوب‌ها را تیز کنند و بعد این ابزار را مدت‌ها بعد و در جایی بسیار دورتر از محل ساختن‌ها کار گیرند. اما انسان‌های اولیه مجبور بودند مدت‌های مدیدی را صرف ساختن تبر از سنگ‌ها بکنند و آنها این کار را مدت‌ها قبل، و در محلی بسیار دورتر از محل استفاده عملی از ابزارها، انجام می‌دادند. هیچ تبر یا نیزه‌ای در بیشه‌های محل تجمع حیوانات ساخته نمی‌شود. ثانیاً تصاویر رسم شده در

خیرینش

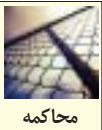
افسون آوازه

چگونه جهان تحت فرمان می‌آید و به سوی جنگ هدایت می‌شود؟ دیپلمات‌ها به روزنامه‌نگاران دروغ می‌گویند و وقتی این دروغ‌ها را به صورت چاپ شده می‌بینند، خودشان نیز آنها را باور می‌کنند.

کارل کراوس (شب‌هنگام)

سیاوش جمادی:ماندگاری نام حافظ نه دم زاهدان ریایی است و نه از ملح شاه شجاع. حتی به یقین نمی‌توان گفت که این ماندگاری صرفاً خاسته از معانی نهفته در اشعار اوست، زیرا روده‌اند کسانی که همین معانی را به شیوه فلسفی، کلامی

و عرفانی شرح و تفصیل داده‌اند، با این همه نام حافظ در شهرت بر آنها پادشاهی می‌کند. اگر این دریافت درست باشد آیا ممکن نیست که شهرت حافظ مدیون شیوه بیان، یا به‌طور خلاصه زبان او باشد؟ مسعود سعد سلمان و ابن‌بیمین از آن رو که بر دست صاحبان قدرت و مکتب بوسه نزده‌اند، نه تنها نام حافظ بل نام مجیزگویان حرفه‌ای‌ای چون فرخی و عنصری را نیز به محاق نبرده‌اند. به همین منوال شهرت ابن‌سینا نه آن است که در برابر یک امیر راز و افلاجه‌ها در آن است که که نان‌خور و درباری دیگر شده‌است، بل در قوت استدلال فلسفی او، یا بهتر است بگویم در سند این قوت یعنی مکوبات به‌جا مانده از اوست. هنرمندان زندیباد قادر بوده‌اند که زندگی سپنجی آکنده از عشق و درد و شور و شغف خود را در قالبی جاودانه بیان کنند. اگر نامه‌های بزرگ را در اقف نگاه‌داریم بنگریم همان‌طور که هایدگر گفته است زندگی اسرطوی یعنی: زاده شد، کار کرد و مرد. اما اگر مشاهیر سده اخیر در ایران را شاهد بگیریم در نگاه نخست می‌نماید که شهرت، اعم از بدنامی و نیکامی در اقف این سده به ندرت بی ارتباط با مناسبات قدرت بوده است. به یبانی روشن‌تر قدرت‌ها که به ندرت آزادی اندیشه را بیان را تحمل کرده‌اند برخی از اندیشه‌ها را سرکوب کرده و برخی دیگر را پروراندند. در این محیط کلی سبزی با قدرت به یکی از ارکان اساسی شهرت هنرمندان، شاعران و حتی اندیشه‌ورزان در علوم انسانی از جمله فلسفه تبدیل شده است. مسلماً روشنفکران نباید مسئولیت اجتماعی از جمله نقد قدرت را به غفلت سپرند. اصلاً به یبانی کلی‌تر تفکر انسانی اگر از وضعیت اکتونی و اینجایی خاستن نگرفته باشد، مشکل بتواند خود را از آسمان خیال رها کند. با همه اینها عقل به ما می‌گوید که اندیشه نمی‌تواند صرفاً از نام و دهان صاحب اندیشه یا از سبزه یا سنازش او با قدرت کسب اعتبار کند. در این صورت خود صاحب اندیشه زیرجنگی به مرجعیت قدرت تبدیل شده است. اعتبار فکر در وهله نخست به قدرت خود فکر و نحوه بیان است. لعن و ستایش و در ساحت علم و فلسفه زاید و لاظایل است، حتی کاربرد واژه‌هایی که از نگاه شایع فحش و ناسزا به حساب می‌آیند، در فلسفه باید صدق مضمون خود را محرز کنند. شرافت تفکر اقتضا می‌کند که تفکر اعتبار خود را از چیزی خارج از تفکر کسب نکنند. این خطری است که اندیشه‌ورزان مشهور را در زیست جهان استبداد و سبزه تهدید می‌کند. این فکرها به ظاهر بکر می‌آغازند و از ناسازگویی و شعارپرانی سرد می‌آوند؛ اما هواداران مشتاقی که به اعتبار دهان صاحب‌سخن به سخنان این یا آن اندیشه‌ورز پرآوازه گوش جان می‌سپرند همه چون تلوتوسی چندان شجاعت فکری یعنی آزادفکری ندارند که بش‌کبه بر همه آثار تپهرون و شکسپیر مهر قزورات زنند.



محاکمه

بزرگداشت ابوریحان بیرونی

شرق: موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران به مناسبت روز بزرگداشت ابوریحان بیرونی نشستی را با همین عنوان برگزار می‌کند. نشست بزرگداشت ابوریحان بیرونی با حضور پرویز ادکایی، شاپور اعتماد و حسین معصومی همدانی امروز (دوشنبه) از ساعت ۱۶ در محل موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران واقع در خیابان نوفل لوشاتو، خیابان آراکلیان، شماره ۶ برگزار می‌شود.

سعدی شاعر عشق و زندگی

شرق: هیچ شاعر فارسی به اندازه سعدی در زمان خود شهرت نیافت تا آنجا که آوازه آثارش از مرزهای ایران فراتر و حتی از قلمرو زبان فارسی گذشت. جهان امروز نیز از حکمت دو کتاب گلستان و بوستان او بی‌نیاز نیست و غزل‌هایش در عالی‌ترین حد بیان شاعرانه و با مهارانه‌ترین کاربرد تکنیک‌های غزل فارسی سروده شده‌اند. نشست هفتگی شهرت‌اب روز سه‌شنبه ۸۵/۶/۱۴ در تفرس کتاب «سعدی شاعر عشق و زندگی» نوشته محمدعلی همایون کاتوزیان اختصاص دارد که با حضور کاووس حسن‌لی، محمد همدانی و کوروش کمالی سرستانی برگزار می‌شود. این جلسه سه‌شنبه از ساعت ۱۷ در شهر کتاب مرکزی واقع در خیابان حافظ شبلیه، نبش زرتشت آغاز می‌شود.

بزرگاری مراسم نیایش بین ادیان توسط اقلیت مسلمان آمریکا

اقلیت مسلمان آمریکا علاوه بر برگزاری یک مراسم دو روزه (۱۲ تا ۱۳ سپتامبر) ظهر روز یازدهم سپتامبر همایش نیایش بین ادیان را با حضور رهبران مسیحی و یهودی برگزار می‌کنند. به گزارش مهر به نقل از یوپی‌آی، این مراسم نیایش ظهر روز یازدهم سپتامبر (۲۰ شهریورماه) از سوی موسسه غرب-آمریکایی برگزار می‌شود. پیش از این مراسم نیایش، از روز ۱۰ تا ۱۲ سپتامبر با اعضایی با عنوان «نیایش ملی: دستورالعمل مسلمان آمریکایی برای امنیت، آزادی و صلح» برگزار می‌شود که دربرگیرنده مراسم نیایش بین ادیان با حضور امام‌جمعه محمد مجید، کشیش جورج رادوس و خاخام دیوید پارسشین و اسقف جن هلمز دیکسون تشکیل خواهد شد. ارتباط موثر با اعضایی با عنوان «نیایش ملی: نیایش برای حمایت از حقوق و آزادهای خود و ابزارهای برای متمایز کردن یک ستاد و اقداماتی در راه صلح و بحران‌های بشری در این فلسطین و لبنان از محورهای است که شرکت‌کنندگان در این همایش به مناسبت پنجمین سال حملات یازدهم سپتامبر مورد بحث و بررسی قرار خواهند داد. — موسسه — غرب آمریکایی در پایگاه اینترنتی خود اعلام کرده است که این همایش و مراسم نیایش بین ادیان آن به منظور گرامیداشت یاد قربانیان یازدهم سپتامبر برگزار شده، اما مراسم ظهر روز یازدهم ستپامبر بخشی از کنفرانس رهبری ملی این موسسه محسوب می‌شود.

خیرچین